

فلسفه و سینما

سینمای فلسفی در ایران

توضیح کرو و
اندیشه: در چند هفته اخیر بابت تغییراتی که روزهای چهارشنبه



سیدمهدی نامینی قره باغ
پژوهشگر فلسفه

در صفحه اندیشه روزنامه پیدا می‌شد، از چاپ ستون ثابت «فلسفه و سینما» نوشته استاد محترم آقای دکتر سیدمهدی نامینی قره باغ محروم بودیم. با کسب اجازه از ایشان، به دلیل اینکه دیروز (چهارشنبه) هم باز تغییراتی در صفحات پیدا شد و بالکل صفحه اندیشه به چاپ نرسید، استثنا این بار، ستون «فلسفه و سینما» در روز پنجشنبه به چاپ می‌رسد و پس از آن به روال سابق خود در روزهای چهارشنبه باز خواهد گشت. ان شاء الله.

سرآغاز سینمای فلسفی را بی شک باید اروپا و فرانسه دانست، همچنان که سرآغاز خود سینما در اروپاست. اما ظهور فلسفه به اعم معنای ممکن -معنایی که شاید مناسب باشد برای آن از کلمه «تفکر» استفاده کنیم- براساس هر سبک سینمایی خاصی، متفاوت است. این تفاوت، ریشه در تفاوت‌های فرهنگی موجود در زمینه آن سبک دارد. برای مثال ژانر وسترن را نمی توان بدون توجه به فرهنگ ایتالیا فهمید. وسترن و خشونت آن و معنایی که ما از خشونت درمی یابیم در بستر فرهنگ کاتولیک و فرهنگ ایتالیایی متأثر از آن قابل فهم است.

مثال دیگر، برگمان است که اگر بزرگ ترین فیلسوف سینما نباشد، بی شک یکی از دو یا سه متفکر بزرگ سینما و فیلمسازی صاحب سبک است. شهرت برگمان، بهره مند از آگزیستانسیالیسم و بسط معانی آگزیستانسیالیستی در سینماست. آگزیستانسیالیسم از دامنارک برخاسته است و برگمان به عنوان یک انسان ساکن در منطقه اسکاندیناوی، از فلسفه‌های متأثر است که به او از قبل نزدیک است. بماند که برخی حتی معتقدند برگمان از یک فیلسوف سوئدی گمنام هم تأثیر پذیرفته است.

نمونه دیگری از این روند، در یکی از یادداشت‌های اولیه همین ستون از زبان وارننبرگ بیان شد که آنجا فیلسوف آمریکایی اعتراف می کند بیشتر فیلم‌هایی که دیده است و براساس آن فیلم‌ها درباره نسبت فلسفه و سینما اندیشیده است، فیلم‌های آمریکایی بوده‌اند. درواقع وارننبرگ احساس می کند بین سنت فلسفه انگلیسی-آمریکایی و فیلم‌های آمریکایی، ارتباطی وجود دارد که می تواند فهمیده و بیان شود.

آیا نمی توان درباره موج نوی فرانسه، نورثالیسم ایتالیا، موج نوی آمریکا، سینمای انقلابی شوروی و امثال آن، از چنین مشابهت‌هایی سخن گفت؟ آیا درباره سینمای انقلابی شوروی، آیزنشتاین خود به صراحت از ارتباط مارکسیسم و منطق دیالکتیکی با سینمای انقلابی شوروی نگفته است؟ درباره شرق دور و به ویژه ژاپن نمی توان گمانه زنی‌های مشابهی داشت؟ آیا بین فرهنگ و تفکر ژاپنی و نقش تربیع در آن و جایگاه امپراتور، قربانی، سنت، مادری و... ارتباطی نیست؟ درواقع هرجا سخنی جدی، اثر بخش و ماندگار از سینمای فلسفی می بینیم، ارتباطی معنا دار بین سبک سینمایی جا افتاده در یک فرهنگ از سویی و فلسفه یا تفکری مرتبط با آن فرهنگ هم از سوی دیگر، می توان مشاهده کرد. به همین خاطر است که مشهورترین نمونه‌های فیلم‌های سینمایی فلسفی، در هالیوود هستند و آنها فیلم‌هایی هستند به شدت تکنیکال و از نظر محتوا، متوجه آینده تخیلی انسان «مبتنی بر» و «غرق در» تکنولوژی. درواقع این فرهنگ آمریکایی است که فلسفه معاضد تکنولوژی را تقویت می کند و همین فلسفه است که به چنین تلقی های متجسد در سینما، قوام می بخشد.

منظور از آنچه گفتیم البته این نیست که فلسفه را مظهرفی بی جهت بدانیم که در هر طرفی، به شکلی درمی آید، یک چنین تلقی حتی درباره سینما نیز درست نیست! اما به هر حال سبک‌های مهم سینمایی و فلسفه‌هایی که آن سبک‌ها موفق به طرح آن می گردند، با یکدیگر مرتبطند و رشته این ارتباط، آن نوع رویکرد و تلقی کلانی است که در یک منطقه بزرگ فرهنگی ریشه کرده و بسط یافته است.

بنابراین شاید این طور به نظر برسد که لایذ سینمای فلسفی در ایران هم باید سینمایی باشد که فی المثل بتواند اصالت وجود ملاصدرا را نورشناسی شیخ اشراق را بیان کند. البته هرچیز ممکن، احتمال دارد روزی به وقوع هم نزدیک شود، ولی نباید از مطالب بالا چنین نتیجه گرفت که سینمای فلسفی در ایران، سینمایی است که به خوبی نیازهای انسانی را پاسخگوست. راه برون رفت از ایده‌های شکست خورده در حوزه‌های آزاداندیشی، سینما یا فیلترینگ، توانایی مردم در قرار دادن موضوع دانش تجارب فردی در اجتماع است. اگر بتوانیم تجربه خودمان را موضوع دانش قرار دهیم می توانیم تصویر درستی از آینده متصور شویم و این موضوع یک فن برهانی قوی است که به لحاظ فرهنگی می تواند راهگشا باشد. در حوزه‌های مختلف باید فضای کافی برای پرداختن به ایده‌های جدید وجود داشته باشد و در این حیطه نباید در گفت‌وگوها مخالفتان مورد قضاوت‌های ارزشی قرار بگیرند.

در پاسخگویی به سوالات جامعه، سهیم باشیم

جواد موگویی، نویسنده، کارگردان و فعال فرهنگی گفت: «لایل عوض شدن جایگاه جلال و شهید، عدم پاسخگویی مسئولان نسبت به سوالات پیش آمده در جامعه است. سه کلمه جوان، تمدن و ظهور؛ کلیدواژه‌های اساسی بیانیه گام دوم انقلاب هستند.»

وقتی رهبر معظم انقلاب درباره ثروت می گویند که ما نه تنها با ثروت مشکلی نداریم بلکه جامعه را به کسب آن تشویق می کنیم یا درجایی عنوان می کنند که فساد ما کمتر از حکومت پهلوی است یا ما نسبت به انقلاب‌های دنیا خون ریز نبوده ایم، می خواهیم پاسخگوی برخی از اتفاقات و سوالات درون جامعه باشیم. فرازهای این قسمت از متن بیانیه غم‌انگیزترین قسمت نامه است [چرا] که رهبری درباره هر اتفاقی که در جامعه رخ داده، در موضع پاسخگویی قرار دارند.

اگر به سوالات ایجاد شده در ذهن مردم پاسخ داده نشود، ابتدا تبدیل به شبهه خواهد شد و این شبهه در جریان تبلیغات ضدانقلابی تبدیل [و] تحریف و پس از آن به یک دروغ حقیقت‌نما در جامعه مبدل خواهد شد. عدم پاسخگویی به جزایی و چگونگی اعدام‌های سال ۶۷، عدم تبیین جایگاه جلال و شهید و همچنین نبود یک جریان مشخص برای ارائه حقایق دوران پهلوی و مقایسه صحیح با دوران جمهوری اسلامی باعث شده تا رسانه‌های بیگانه تصویرهای غلط و نادرستی از حقایق به ذهن مخاطب امروز دیکته کرده و تصویری متحجر از جمهوری اسلامی ارائه کنند، در صورتی که امام خمینی (ره) در منشور روحانیت، خود به شدت با مقوله تجرگرایی و مقدس مآبی برخورد می کنند. »

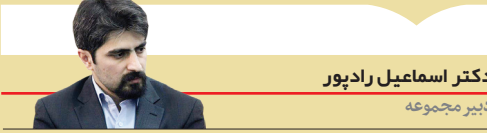
مجموعه مطالعات دائوبی

خوانش غیر شرق شناسانه از سنت معنوی چین

برگردان ها -مانند ترجمه اورسلا له گین و استیون میشل- را ترجمه کرده‌اند، نویسندگانی که آشکارا به تحریف این دفتر مقدس دست برده و غلط‌های عجیب آفریده و هرچه دلخواه‌شان نبوده با طیب خاطر حذف کرده و آنچه از ایدئولوژی‌های مدرن مورد پسندشان بوده بی تشویش بر آن افزوده‌اند.

در سال گذشته، انتشارات زندگی روزانه به انتشار ترجمه دانوده جینگ برای نخستین بار از زبان چینی باستان همت گمارد. این ترجمه همراه است با یادداشت‌هایی درباره معنی بعضی عبارات این دفتر، نکاتی مربوط به اختلافات نسخ، اشاراتی از تفاسیر نخستین پیران دائوبی، نکات مربوط به ترجمه و اشتقاقیات صوری و لفظی بعضی نویسه‌ها، شرح اصطلاحات مهم و مکرر این دفتر، و همچنین مقدمه‌ای درباره شخصیت لائودزی، جایگاه او و دانوده جینگ یا دفتر دائو و ده در سنت دائوبی، انجمن دائوبی، میراث داران لائودزی، ساختمان و مفاهیم دانوده جینگ، دستنبنشته‌ها و نسخه‌های مختلف دفتر دائو و ده و نکاتی چند درباره ترجمه این دفتر.

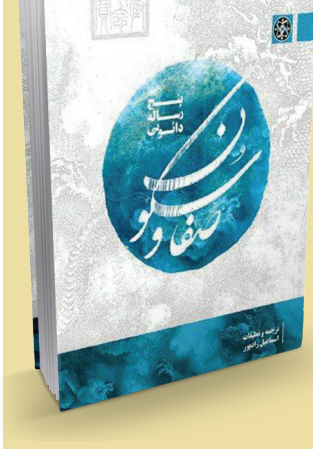
پس از گذشت حدود یک سال و نیم، در ایام نزدیک به نوروز ۱۳۹۸، مجموعه مطالعات دائوبی شاهد انتشار دو کتاب دیگر بود: «هنرهای عقل: چهار رساله کهن دائوبی» و «صفا و سکون: پنج رساله دائوبی». این دو عنوان، هر دو شامل رسائلی است که اغلب با تهذیب نفس و پرورش خویشتن دائوبی پیوند دارد. اما مطابق با تعریفی که در مقدمه مشترک این دو کتاب، درباره فصول چهارگانه بسط تعلیم دائوبی آمده، رسائلی که در ذیل عنوان «هنرهای عقل» ترجمه و بررسی شده، متعلق به بهار سنت دائوبی (از تکوین تا پایان حکومت‌هان غربی، سال ۹ م) است و حال و هوای باستانی دارد و قدمت تعلیم سلوکی و طریقتی دائوبی را نشان می دهد که خاصه در پاییز این سنت (۹۶۰-۱۶۴۴ م.)



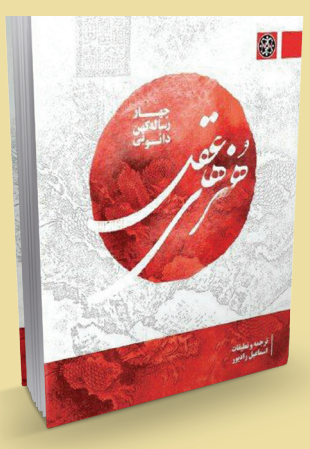
دکتر اسماعیل رادبور
دبیر مجموعه

تعلیم دائوبی، نماینده مابعد الطبیعه ناب و طریقت عرفانی در سنت معنوی چین است. هنگامی که سخن از این تعلیم به میان می آید، عمدتاً «دانوده جینگ» نوشته لائودزی یا نهایتاً مطالبی منسوب به جوانگ دزی و لیه دزی تداعی می شود و از متون حکمای دیگر دائوبی غفلت می شود. این غفلت تا حد بسیاری تحت تأثیر شرق شناسی قرن نوزده -مبتنی بر تفکرات استعمارگرایانه و نوعی میسیونریسم- است که با ایجاد شکافی میان وضع کنونی ادیان و پیشینه آنها، سعی می کند همه چیزهای پس‌سنندیده (در نزد انسان مدرن) را به گذشته‌های غیرنزدیک نسبت دهد و بگوید که در طول تاریخ صورت «دینی» منحنی بر تعلیم «فلسفی» تحمیل شده و اینجنین پیروان ادیان را آماده پذیرش دین و دنیای نو سازد بی آنکه در ظاهر با حفظ فرهنگ و فلسفه کهن تعارضی داشته باشد. مجموعه مطالعات دائوبی، با انتشار سه کتاب «دانوده جینگ» اثر لائودزی، «هنرهای عقل: چهار رساله کهن دائوبی» و «صفا و سکون: پنج رساله دائوبی» از محدودیت‌های این طرز تلقی درمی گذرد و از نظرگاهی سنتی به تعلیم دائوبی روی می کند. این سه کتاب مستقیماً از زبان چینی باستان و میانه ترجمه شده و مترجم بر آنها مقدمه و یادداشت‌های متعدد نیز نگاشته است.

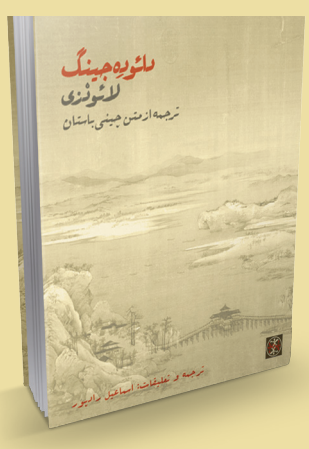
پیش از این، دانوده جینگ چندین بار به زبان فارسی ترجمه شده بود ولی همه به واسطه ترجمه‌های غربی که در اکثر موارد هم بدترین



صفا و سکون
پنج رساله کهن دائوبی
ترجمه: اسماعیل رادبور
ناشر: زندگی روزانه
قیمت: ۲۳۰۰۰ تومان



هنرهای عقل
چهار رساله کهن دائوبی
ترجمه: اسماعیل رادبور
ناشر: زندگی روزانه
قیمت: ۲۳۰۰۰ تومان



دانوده جینگ
نویسنده: لائودزی
ترجمه: اسماعیل رادبور
ناشر: زندگی روزانه
قیمت: ۲۱۰۰۰ تومان

در چهارمین جلسه از نشست‌های بزم اندیشه مطرح شد

در سیر به سوی آینده، نقش آفرین باشیم

سر نسبت‌ها است که متاسفانه [می‌بینیم] در کسب جایگاه‌های حکومتی جوان‌هایی حضور دارند که نسبت نزدیکی با صاحب منصب [های] پرسن و سال قبلی داشته و هیچ کس [هم] پاسخگوی عملکرد خود نیست.

[شاهد] فقدان علوم انسانی در اقتضانات جامعه هستیم. تاکنون در حوزه‌های علوم انسانی درگیر مسائل حاشیه‌ای چپی‌ها و راستی‌ها و علوم دینی بوده‌ام و به دستاوردهای بشری و مبانی دینی، نگاه درستی نداشته‌ام تا بتوانیم مساله به مساله آن را پاسخگو باشیم. درواقع باید بتوانیم علوم اقتصادی و فنی خود را با اقتضانات ایران و جامعه یکی کنیم تا ظرفیت‌های برون منطقه‌ای و تاریخی ما بتوانند با استناد به این علوم انسانی، پاسخ‌های جدیدی را در حوزه پیشرفت جامعه برای ما به ارمغان بیاورد. امام خمینی (ره) می‌فرمایند عرفان باید تغییر ایجاد کند. متاسفانه امروزه غالب سخنوران دینی به بحث‌های کلامی بسنده کرده و عده‌ای صرفاً بحث‌های قبه‌ی و اخلاقی را مورد تحلیل قرار می‌دهند و درواقع به دنبال ترویج «اسلام عرفانه غیر مبارزه‌جو» هستند درحالی که حرف و عمل امام خمینی (ره) ترویج «اسلام عرفانه مبارزه‌جو» بوده است نه دنبال کردن یک الهیات‌فردگرایانه.

مطالیه‌گری [از] سازوکارهای غلط کشوری وظیفه عموم مردم، بالاخص جوانان است. مردم و جوانان باید در جریان شکل‌های مردمی و دانشگاهی و رسانه‌ای پیرو سخنان رهبری به فکر و اقدام بپردازند و اراده پیگیری و مطالبه‌گری را در خود ایجاد کنند تا بتوانند در این عرصه جولان داده و ساختارهای نادرست حکومتی را از میان بردارند.

مواجه فرهنگی با متنی سیاسی

بیانیه گام دوم انقلاب عاری از ارجاعات پیچیده فقهی و کلامی است و با مخاطب خود به‌سادگی تعامل می‌کند. در طول تاریخ برای اولین بار است که نامه و نوشته یکی از حاکمان، سوزه مطالعه قرار گرفته و مخاطبان خود را به نقد و بررسی و واکاوی فرا می‌خواند. درواقع اتفاق خوشایندی است که می‌توانیم با متنی که خاصیت سیاسی دارد، مواجهه فرهنگی داشته باشیم. اگر بخواهیم به سمت اجرایی شدن گام دوم انقلاب قدم برداریم، باید متون علوم انسانی را جدی بگیریم که متاسفانه علوم انسانی در خور جامعه جمهوری اسلامی تاکنون ارائه نشده و از آن طرف هم سیاستگذاری‌های منسجمی برای حل مشکل علوم انسانی در کشور وجود ندارد. همچنین متاسفانه در اولویت‌بندی حل مشکلات جامعه دچار ضعفیم. به‌عنوان مثال کم‌اکان شاهد نبود اراده جدی برای اصلاح سازمان صدا و سیما یا تعدد مراکز فرهنگی در کشور هستیم.

مشکل اصلی الهیات انقلاب اسلامی، نداشتن درک عمیقی از دولت مدرن است. ما در مواجهه با دولت مدرن، ساده‌انگارانه برخورد کردیم و نتوانستیم برای ساختن یک جامعه آرمانی، روح اسلام را در یک دولت مدرن محقق کنیم و بدون شک بدون وحی نمی‌توانیم در این قسمت از تاریخ دوام

وحده آخوندشریف

خبرنگار

چهارمین جلسه از سلسله نشست‌های «بزم اندیشه» پیرامون «تحلیل و ایده‌پردازی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی» با «موضوع انقلابی دیروز؛ انقلابی فردا» توسط موسسه جوانان آستان قدس رضوی و با حضور محمدصادق شهبازی، میلاد دخانچی و جواد موگویی برگزار شد. در ادامه گزارش تفصیلی آن را از نظر خواهید گذراند.

محافظه کاری؛ بحران اصلی امروز ایران

محمدصادق شهبازی؛ دبیر اسبق جنبش عدالت‌خواه دانشجویی:

یکی از مشکلات اساسی مردم چه موافقین انقلاب، چه ضد انقلابی‌ها نداشتن تصویر درستی از گذشته و نبود خط و رسم بدون نقضی از آینده است. در بیانیه گام دوم انقلاب به این چالش بزرگ پاسخ داده شده است و رهبری، تصویر درستی از گذشته پرافتخار انقلاب را با تمام فراز و فرودهایش ارائه می‌دهند و درمورد ترسیم آینده به مخاطبان نوید داده‌اند که اوضاع و مشکلات قابل تغییر است و [بیانیه] بر آن است که امید را در دل مردم زنده نگه دارد.

بحران اصلی جامعه محافظه کاری است. در چارچوب نظام جمهوری اسلامی به قدری محافظه‌کارانه عمل کرده‌ام که هیچ تصویری از آینده نداریم و [حتی] از گذشته پر افتخار خود [هم] راضی و خوشحال نیستیم. درواقع در بیشتر حوزه‌ها اعم از سیاست، فرهنگ، عدالت و آزادی، محافظه‌کارانه وارد عمل شدیم و شاهد این هستیم که هیچ تغییر درستی در ساختارهای نادرست حکومتی ایجاد نشده است. لازمه پیشرفت کشور، تغییرات اساسی با محوریت اصلاح یک ساختار است. برای ورود به حوزه تغییر، نیازمند «نقد جدی شرایط فعلی» یا «تصاویر ساختارهای درست حکومتی در آینده» هستیم.

در عرصه اقتصاد [هم] با چالش‌های جدی روبه‌رو هستیم و لازم است برای تغییر اقتصاد «مفت خوری و دلالی» فعلی با داشتن تصویر درست و روشنی از آینده وارد میدان شویم تا بتوانیم وضعیت کنونی را سامان بخشیم. درحوزه عدالت احتیاج به نقدهای بنیادین داریم چراکه نابرابری، مدام درحال تولید است و تاکنون در میدان عدالت، روی دو عنصر فقر و فساد متمرکز بوده و در حوزه تبعیض، گامی اساسی برنداشته‌ایم. در حوزه استقلال شاهد این هستیم که اکثر نهاد‌های بین‌المللی برای ما تصمیم‌گیری کرده و نهاد کشوری ما در حوزه تصمیم‌گیری ضعیف عمل می‌کند.

نسل چهارم انقلاب رانسلی انقلابی می‌دانم [اما] موضوع جوان در بیانیه گام دوم، صرفاً کسب قدرت توسط رده سنی پایین جامعه نبوده است. موضوع مهم و مورد بحث در جامعه، دعوا بر سر طبقه نجیب‌زادگان و حرف و حدیث بر